

کارخانه یا کار و خانه؛ بررسی مفهوم کار و تولید در شکل‌گیری خانه‌های تاریخی ایرانی در بشرویه

مجتبی کاویان^{۱*}، غلامحسین غلامی^۲

۱- مربی گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه حکیم سبزواری

۲- مربی گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه حکیم سبزواری

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۰۶، تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۶/۰۳/۳۱)

چکیده

تفاوت و تنوع‌های موجود در الگوهای معماری مسکونی در یک ناحیه اقلیمی، می‌تواند ناشی از تنوع سبک‌های زندگی و روش‌های تأمین مایحتاج یک خانواده باشد. هدف اصلی این پژوهش آن است که شکل‌گیری و سازماندهی فضاها را در معماری مسکونی از گذر نگاه به معیشت و فرهنگ جستجو کند. این پژوهش بر مبنای روش تحلیل کیفی پیش می‌رود. پس از بررسی مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، معیارهای بررسی خانه‌ها مشخص شده و سپس با استفاده از پدیدارشناسی معماری به مقایسه داشته‌های فضایی گونه‌های مختلف خانه در محدوده مورد پژوهش می‌پردازد. این مقاله پس از مقایسه تطبیقی چند معیار مشخص شامل ابعاد حیاط مرکزی، تعدد فضاها و اتاق‌ها و آثار گود برک در خانه‌های تاریخی تقسیم‌بندی ساده‌ای از خانه‌های تاریخی دارد که دو گروه اصلی ساختمان‌های مسکونی را در این بافت نشان می‌دهد. خانه‌های با حیاط کوچک و خانه‌های با حیاط بزرگ از سویی و خانه‌های دارای گود برک در ایوان و خانه‌های فاقد آن از سوی دیگر.

نتایج این مقاله حاکی از آن است که وجود گود برک در ایوان خانه‌های کوچک به اثبات رسیده است و خانه‌های بزرگ تقریباً فاقد چنین تشکیلاتی هستند. آنچه که در این خانه‌ها در نگاه اول به چشم می‌آید، وظایف متفاوت هر کدام از فضاها آن است. این پژوهش با تجزیه و تحلیل نظام فضاها پر و خالی و جهت‌گیری فضاها و همچنین آثار و ادوات برک بافی در برخی از نمونه‌های شاخص تر این خانه‌ها، به این نتیجه می‌رسد که نظام شغلی و خانوادگی، در شکل این تفاوت‌ها مؤثر بوده‌اند. این مقاله نتیجه می‌گیرد که آنها در واقع واحدهای تولیدی یک شهر صنعتی پیشامدرن بوده‌اند که کار و زندگی را در هم آمیخته‌اند و تجسم کالبدی واژه کارخانه در زبان پارسی را تحقق بخشیده‌اند.

کلید واژه‌ها: اقتصاد، برک بافی، بشرویه، گونه‌شناسی، معماری مسکونی

پوشش پژوهش

تفاوت میان سبک‌های معماری مسکونی چه ارتباطی به ساختار اقتصادی-اجتماعی شهر تاریخی بشرویه دارد؟

۱- مقدمه

گونه معماری مسکن، حساسیت زیادی نسبت به آب و هوا و نظام اقلیمی یک منطقه نشان می‌دهد و عموماً بازتابی از آن تفسیر شده است. لیکن نگاه اقلیم در گونه معماری خانه، نتوانسته است تفسیر قانع‌کننده‌ای راجع به تفاوت‌ها در آب و هوای مشابه و شباهت‌ها در آب و هوای متفاوت ارائه دهد. وجود الگوهای مختلف معماری در یک اقلیم می‌تواند این فرصت را پدید آورد که دلایل این تفاوت‌ها را در چیزی سواى زمینه اقلیمی صرف بیایم. شهر بشرویه به واسطه داشتن گنجینه وسیعی از انواع خانه‌های تاریخی با طرح‌ها و الگوهای متنوع، می‌تواند محلی برای این نوع پژوهش باشد.

اگر تولید گونه‌های مختلف معماری مسکونی فقط زاینده پاسخ به اقلیم نبوده است، پس عوامل دیگری در کار است. بنابراین هدف اصلی این پژوهش آن است که شکل‌گیری و سازماندهی فضاها را در معماری مسکونی از گذر نگاه به معیشت و فرهنگ جستجو کند. در واقع هدف این پژوهش این بوده که نشان دهیم آیا اقلیم فقط یکی از عوامل بوده است یا زیربنایی برای کلیه روش‌های زندگی منجر به تولید اشکال معماری بوده است و روش این اثبات چیست؟

۱-۳- روش تحقیق

۱-۳-۱- گردآوری اطلاعات

داده‌های اولیه و پایه در این تحقیق از آرشیو پایگاه پژوهشی شهر تاریخی و همچنین نقشه‌هایی

که نگارندگان قبلاً برداشت کرده‌اند، بوده است، اما اطلاعاتی که مربوط به کاربری هر کدام از فضاها می‌باشد، به صورت میدانی و با مراجعه به خانه‌ها همراه با راهنمایان و کاربلدان محلی قدیمی تهیه شده است.

سعی شده است که همه گونه‌های مختلف در نمونه‌های انتخاب شده حضور داشته باشند. عمده تجزیه و تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های انجام شده در این مقاله، بر اساس مکان‌شناسی و ارتباط فضاها با یکدیگر است.

۱-۳-۲- ساختار مقاله و فرآیند پژوهش

این پژوهش بر مبنای روش تحلیل کیفی پیش می‌رود. پس از مرور مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، معیارهای بررسی خانه‌ها مشخص شده و با استفاده از پدیدارشناسی معماری به مقایسه داشته‌های فضایی گونه‌های مختلف خانه در محدوده مورد پژوهش می‌پردازد. سپس گونه‌های مورد پژوهش در کروکی‌هایی به صورت نمونه‌های فرضی (Hypothesis) ارائه گردیده است. سپس این نمونه‌ها با توجه به پاسخ‌دهی به نیازهای اجتماعی و اقتصادی ساکنان، تجزیه و تحلیل شده است.

در نهایت نتیجه‌گیری این مقاله، با نگاه به ساختار اجتماعی و نظام معیشتی بشرویه صورت می‌گیرد. نتیجه‌گیری که سعی می‌کند که ردپای آن را در نظام کالبدی خانه‌های بشرویه پیدا کند.

۲- پیشینه تحقیق

۲-۱- پژوهش‌های پیشین

در حوزه خانه‌های تاریخی بشرویه، جز مقالات توصیفی پراکنده‌ای که تکرار همان اطلاعات اولیه است، چیزی در دسترس نیست. اطلاعات پایه در پایگاه پژوهشی شهر تاریخی موجود است و

هر کدام از مقالات فوق، از لحاظ روش، بسیار مبدع هستند، اما پژوهش حاضر از نظر محتوای بررسی و نتایجی که از آن حاصل شده است، به کلی تفاوت دارد.

۲-۲- روش‌شناسی

در روش‌شناسی این پژوهش باید دید نگاه پژوهش‌های پیشین به معماری خانه، چگونه بوده و منتج از آن نگاه، چه خصوصیات و متغیرهایی را در معماری خانه بررسی و با توجه به چه معیارهایی نمونه‌های آنها را دسته‌بندی کرده‌اند. روی همین اصل، روش‌شناسی در دو بخش رویکردها و متغیرها ارائه شده است.

۲-۲-۱- رویکردها

راهب (۱۳۹۴: ۳، ۷، ۸، ۱۳ و ۱۴)، اساساً رویکردهای گونه‌شناسی مسکن را به سه دسته تقسیم می‌کند:

- دسته‌بندی گونه‌های مسکن بر اساس یک یا چند شاخص اثرگذار بر شکل‌گیری مسکن: سه عامل محیط طبیعی، زمینه‌های مشابه انسانی و مرزهای سیاسی به عنوان زمینه‌های اصلی شکل‌گیری مسکن بومی در جهان هستند که عوامل ثانوی مانند مصالح و منابع، شکل بنا، ویژگی‌های خدماتی و عملکردی، نشانه‌ها و تزئینات ریشه در بسترهای سه گانه فوق دارند.
- پدیدارشناسی تاریخی و فرآیندی شکل‌گیری مسکن: شیوه‌های ساخت و ساز در طول زمان، سنت‌ها را ایجاد می‌کند. سنت موجودی هوشمند و زنده تلقی می‌شود که دائم در حال اصلاح و توسعه درونی است.

حاصل پروژه‌های نقشه برداری و مطالعات ثبت آثار تاریخی است که تجزیه و تحلیل زیادی روی آن انجام نشده است.

تاکنون از مطالعاتی که در بافت مسکونی خانه‌های بشرویه انجام شده است، دو مطالعه شاخص قابل شناسایی است. اولین مقاله رشد و تکامل تاریخی شهر بشرویه را با نگاه به ابعاد حیاط به عنوان یکی از فاکتورهای ریخت‌شناسی معماری مسکونی، ارزیابی می‌کند. (ذبیحی و شاکر، ۱۳۹۱: ۹۷-۱۱۱) به شکلی که با ناحیه‌بندی شهر بر اساس خانه‌های با حیاط‌های کوچک‌تر یا بزرگتر، تقدم و تأخر ساخت قسمت‌های مختلف شهر را به نمایش می‌گذارد. این مقاله اگرچه یکی از فاکتورهای ریخت‌شناسی معماری مسکونی بشرویه را بررسی می‌کند، اما از نظر هدف، مراحل شکل‌گیری شهری را نشانه رفته است که بیشتر از شناسایی قدمت الگوهای معماری استفاده می‌کند.

مقاله دیگر که اخیرتر نوشته شده است، به روش نحو فضا با استفاده از نرم افزار، فاکتورهایی به نام ارتباط، هم‌پوندی، کنترل و عمق را در محدوده پژوهشی خود بررسی می‌کند (مداحی و معاریان، ۱۳۹۵: ۶۵-۴۹). این مقاله روش بررسی جالبی دارد که با استفاده از تعیین کارکردها برای هر فضا و نوع همجواری و ارتباط آنها با یکدیگر، با استفاده از نرم افزار اقدام به کشف کرد و کارهای اجتماعی و انسانی موجود در خانه می‌کند. نتیجه‌گیری این مقاله بر آن است که این ساز و کارها، از دوران صفوی تا پهلوی ثابت بوده و از انتهای دوران پهلوی تغییراتی اساسی می‌کند. این نتیجه‌گیری به رغم روش ابتکاری بسیار جالب مقاله، تا حدودی تکراری و از پیش تعیین شده است.

در طول و ادامه یک دیگر با یک سطح بندی ساده تعریف شده باشند. به نحوی که جبر طبیعی محیط در اولین و فرهنگ در آخرین و پیشرفته ترین سطح آن قرار گیرد (نمودار ۲).

زمینه یابی، رویکرد دیگری است که فاضلی (۱۳۸۷: ۲۸ و ۲۹) از آن به عنوان مهمترین راهبرد روش شناختی که در مطالعات انسان‌شناسی دنبال می‌شود، یاد می‌کند. از نظر فاضلی، زمینه‌یابی «شناختن زمینه و بستر اجتماعی و تاریخی است که موضوع مورد بررسی در آن شکل گرفته و تکامل یافته است.» (همان) با توجه به تجزیه و تحلیل پتانسیل‌های محیط طبیعی و واسطه‌گری معیشت، اقتصاد و فرهنگ و نهایتاً ذائقه‌ها و اعتقادات میان انسان و طبیعت - که در چهارچوب نظری این مقاله از آن صحبت خواهد شد - می‌توان گفت زمینه‌یابی نیز یکی از راهبردهای اصلی این پژوهش است. این مقاله، پس از تشریح فرآیندهای پیدایش اقتصاد بومی و معیشتی شهر تاریخی بشرویه، سعی بر آن دارد که زمینه‌های اقتصادی منجر به خلق فضای کار و تولید درون‌خانه را در خصوصیات کالبدی آن جستجو نماید.

۲-۲-۲- متغیرهای مورد بررسی

راهب (۱۳۸۷: ۱۰)، مهمترین عوامل مؤثری را که در دسته بندی گونه‌های مسکن مورد بررسی قرار گرفته‌اند را شامل بستر طبیعی، اقلیم، ویژگی‌های قومی-فرهنگی و اجتماعی، نوع معیشت، نوع سکونت (ثابت و متحرک) می‌داند. راهب، شرایط اقلیمی، تهدیدهای طبیعی و انسانی، بستر طبیعی، پتانسیل‌های محیطی، ویژگی‌های اجتماعی، سنت سکونت، سابقه تاریخی، نوع معیشت، هزینه‌ها و نظام اجرایی ساختمان را جزو متغیرهای مستقل و انتخاب مکان

- رویکرد مبتنی بر حل مسأله در شکل‌گیری مسکن: نگرشی اکتشافی به محصول برای یافتن جوهری که مسکن را شکل داده است.

با توجه به اهدافی که این مقاله در شناسایی بسترهای منجر به تنوع گونه‌های معماری مسکونی در بشرویه دارد، رویکرد اول و دوم، همخوانی بیشتری با فرایند این پژوهش دارد.

خسرونیا (۱۳۸۸: ۴۲) از چهار رویکرد پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی صحبت می‌کند که خلاصه آنها به شرح زیر آیتم بندی می‌شود:

○ رویکرد جبرگرایان محیطی: تأثیر آب و هوا در اهم فعالیت‌ها و تلاش‌های انسانی، مواد اولیه برای ساخت

○ رویکرد فرهنگ‌گرایان: تأثیر علائق، سنت‌ها، ارزش‌ها، زبان، دین، مذهب در فرم و شکل‌گیری فضا

○ رویکرد بینش اقتصادی: تأثیر چگونگی تولید، توزیع ثروت، حرکت، نحوه تولید و توزیع مصرف، ثروت عامل قطعی و تعیین‌کننده روی شکل کلی مسکن.

○ رویکرد بینش اجتماعی: تأثیر تأمین امنیت، نظم و آرامش در امور و تبدلات اجتماعی

خسرونیا (همان: ۴۰-۴۱) در ادامه در توضیح رویکرد اقتصادی می‌گوید: «این عامل عمدتاً بر چگونگی تولید و توزیع ثروت، حرکت (گردش) نحوه تولید، توزیع و مصرف محصولات و رابطه آن با ساخت کالبدی بحث می‌کند. نوع معیشت و توزیع کالا، همگی از عوامل اقتصادی هستند که می‌توانند بر ساختار کالبدی بافت و مسکن اثر مستقیم بگذارند؛ چرا که هر فعالیتی نیاز به فضایی دارد و این نیاز با تعبیه عناصری تأمین می‌گردد.» نگاهی به این چهار رویکرد، نشان می‌دهد که می‌توانند به جای اینکه در عرض و رقیب هم باشند،

محلی برای تعیین کاربری دقیق هر یک از فضاهای خانه بود که تعیین‌کننده‌ترین روش شناخت تکاملات فضایی و سیر دقیق فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود در این خانه‌ها به شمار می‌رود. این بررسی‌ها، جنبه‌هایی فراموش شده از معماری مسکن را روشن می‌کند که در شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان سازماندهی فضاها، ابعاد حیاط، موقعیت و جهت‌گیری فضاهای کلیدی و خاص مانند حوض خانه، بادگیر، زمستان نشین، مطبخ و ایوان این بناها رخ نمون شده است و می‌تواند در شناخت تکامل معماری خانه در ایران، راهگشا باشد. نمودار مفهومی نشان دهنده ارتباط رویکرد خاص این پژوهش و بررسی متغیرهای ناشی از آن در ذیل نشان داده شده است:

مناسب، قالب برپایی، اثرات متقابل سازه و معماری، اجزا و روش‌های اتصال آنها را در زمره متغیرهای وابسته در ایجاد مسکن سنتی روستا معرفی می‌کند. (راهب، ۱۳۸۷: ۱۵).

نادری (۱۳۹۲: ۸۴)، متغیرهایی را نشان می‌دهد که جنبه‌های کالبدی و عینی نگاه مدرن بر آن بیشتر است. او از هفت ویژگی مهم در خانه که با روند اختصاصی کردن و آفرینش معنا رابطه‌ای نزدیک دارند، نام می‌برد که شامل: مصالح و جزئیات، محوربندی، محصوریت، حرکت، فرم فضایی، نورگیری و سازماندهی فضایی می‌شود.

این پژوهش، بر پایه مدارک پایه جمع‌آوری شده از خانه‌های بشرویه و مقایسه تطبیقی آنها با یکدیگر تنظیم شده است. مورد خاصی که در این پژوهش حضور چشمگیر داشت، مصاحبه‌های

رویکردهای پژوهشی در معماری خانه

رویکرد جبرگرایان محیطی	آب و هوا	مواد ساخت خانه
رویکرد بینش اقتصادی	روش تولید	توزیع و مصرف
رویکرد بینش اجتماعی	امنیت	نظم
رویکرد فرهنگ گرایان	علاق و سنت ها	زبان
		دین و مذهب
		میزان ثروت
		تبادلات اجتماعی

نمودار ۱- متغیرهای مورد بررسی این پژوهش در رویکردهای مختلف مورد اشاره در مطالعات معماری مسکن (موارد تأکید شده، متغیرهایی است که در این پژوهش بررسی بیشتری شده اند)

۲-۳- چهارچوب نظری

تعاریف واژگان کلیدی:

خانه: واژه خانه در لغت نامه دهخدا جایی است که در آن آدمی سکنی می‌کند. (دهخدا و دیگران، ۱۳۹۵: سرواژه «خانه») در زبان پهلوی این کلمه به صورت خانک یا خانگک به کار می‌رفته و در زبان قدیمی ایرانی به شکل âhana به معنای جا و محل

بنا بر نمودار ارائه شده و با توجه به چهارچوب نظری که بیان خواهد شد، نسبت عرصه و اعیان، تعداد و وسعت فضاهای بسته، عرض حیاط مرکزی به نسبت تعداد دهانه‌های اشغال‌کننده آن، قرارگیری فضاهای کلیدی و نهایتاً موقعیت گود برک‌بافی از مواردی خواهد بود که بررسی بیشتر و هدفمندتری روی آنها صورت خواهد گرفت.

بوده است که از ân و hân گرفته شده است. (براتی، ۱۳۸۲: ۲۴-۵۵) در تعریف مرکز آمار ایران «واحد مسکونی، مکان، فضا و یا محوطه‌ای است که یک یا چند خانوار در آن سکونت داشته و به یک یا چند ورودی (شارع عام یا شارع خاص) راه داشته باشد.» (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). معماری مسکونی نیز آن نوع معماری است که با هدف سکونت ساخته می‌شود.

«خانه از دیدگاه اقتصادی نوعی «کالا»، از دیدگاه هنری «نماد»، از دیدگاه جامعه‌شناسانه «نهاد»، از دیدگاه مهندسی و معماری «بنا» یا ساختمان، از دیدگاه شهرسازی «فضا» و از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی «فرهنگ» است که تمام ابعاد مذکور را در بر می‌گیرد.» (فاضلی، ۱۳۸۷: ۲۷).

اما آنچه که در معماری خانه به عنوان یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین گونه‌های معماری تاریخی همواره خود نشان داده است، تأمین آسایش اقلیمی برای ساکنان است. نگرش اقلیم به دلیل همگانی بودن و تنوع ریخت‌شناسی آن، بسیار بر مطالعات معماری مسکونی اثرگذار بوده است (معماریان، ۱۳۸۴).

اقتصاد: اقتصاد یا ترازمان به یک نظام اقتصادی در یک منطقه جغرافیایی مشخص اطلاق می‌شود و در برگیرنده تولید، توزیع یا تجارت و مصرف کالاها و خدمات در آن منطقه یا کشور می‌باشد. یک اقتصاد مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی ملت‌هاست. یک اقتصاد برآیند کلیه فرآیندهایی است که فرهنگ، ارزش‌ها، آموزش، تکامل تکنولوژیکی، تاریخ، سازمان اجتماعی، ساختار سیاسی و سیستم‌های قانونی و همین‌طور جغرافیا و مواهب طبیعی را دربر می‌گیرد. این عوامل زمینه، محتوا و شرایطی را که یک اقتصاد در آن عمل می‌کند، تعیین می‌کند.

«علم اقتصاد، علمی است که رفتار بشر را به عنوان رابط بین نیازهای نامحدود و عوامل تولید کمیاب که موارد استفاده متعددی نیز دارند، مطالعه می‌کند.» علم اقتصاد در این تعریف به تخصیص منابع کمیاب بین استفاده‌های مختلف آنها مربوط می‌شود. بنابراین چیزی که تعریف جدید علم اقتصاد را تعاریف قدیم و سنتی تفکیک می‌کند، موضوع کمیابی است. چون عوامل تولید (کار، سرمایه و زمین) در طبیعت کمیاب هستند، از میان رو انسان ناچار به اقتصادی رفتار کردن است (محتشم دولشاهی، ۱۳۹۰).

برک بافی: برک نوعی پارچه نرم و چسبان و ضخیم است که در خراسان از پشم شتر یا کرک بز با دست می‌بافند و از آن جامه زمستانی می‌دوزند. (فرهنگ معین، سرواژه «برک») برک از لطافت و استحکام خاصی برخوردار است و از آن عمدتاً برای تهیه و دوخت کت مردانه و ابا و ... استفاده می‌کنند.

گونه‌شناسی: گونه‌شناسی (فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر یازدهم) در علم باستان‌شناسی نتیجه تقسیم‌بندی بر اساس ویژگی‌های ظاهری می‌باشد. اغلب گونه‌های باستان‌شناسی مصنوعی در ساختاری عظیم مانند ساختمان‌ها مقبره‌ها، قلعه‌ها یا جاده‌ها می‌باشد که ساخته دست بشر است. گونه‌شناسی در جهت سازماندهی اطلاعات باستان‌شناسی کمک شایانی می‌کند.

تشریح نظام مبانی نظری این پژوهش

دهه‌های بسیاری، عمده پژوهشگران بر فاکتورهایی تأکید کرده‌اند که مستقیماً ویژگی‌های آب و هوایی را برای تفسیر نظام کالبدی ساختمان به کار می‌بندند و عمدتاً ناشی از چالش‌هایی

عرصه‌های سبک زندگی را محمد فاضلی در کتابی تحت عنوان مصرف و سبک زندگی (۱۳۸۲، فصل سوم) «شامل: مصرف فرهنگی و رسانه ای، شیوه گذراندن اوقات فراغت (فعال یا غیرفعال)، رفتارهای بهداشتی و پرخطر، رفتار زیست محیطی، مصرف مادی می‌داند.» (فلامکی و شصتی، ۱۳۹۳: ۱۲۷) فلامکی و شصتی (همان: ۱۲۶)، از مبحثی به نام ریختار صحبت می‌کنند که به زعم آنها «شکل‌دهنده مجموعه و بستر واحدی هستند که نشانه‌هایی از فردیت افراد را با خود به همراه دارد.» آنها ریختار را این‌چنین معرفی می‌کنند: «ریختار همان جبر و ضرورتی است که درونی شده و تبدیل به طبع و قریحه‌ای گشته که کرد و کارهای معنادار و تلقی‌های معنابخش ایجاد می‌کند (بورديو، ۱۹۸۴: ۱۷۰). ریختار نه فقط ساختاری ساخت دهنده است که کرد و کارها و درک و تلقی کارکردها را سازماندهی می‌کند، بلکه ساختاری ساخت یافته نیز هست.» (همان، ۱۷۱) در واقع ریختار، انتقال مفاهیم کارکردی و تبدیل آن به ذائقه در همان نسل یا نسل‌های بعد می‌باشد.

مطابق این چهارچوب نظری آنچه که واسطه میان اقلیم و محیط طبیعی با معماری ساخت انسان است، مباحث متنوع و متفاوتی است که بنا به فاصله کارکردی- معنایی هر کدام از آنها با انسان یا طبیعت، می‌تواند اسامی متفاوتی به خود بگیرد. نمودار ذیل، واسطه‌گری این مفاهیم را میان طبیعت و معماری مسکونی بومی نشان می‌دهد:

بنابراین در عین وجود رابطه‌ای خطی که در این نمودار توضیح داده شد، عواملی در سطوح مختلف از اقلیم تا فرهنگ بر معماری مسکونی اثرگذار بوده و تمرکز اصلی در این مقاله بر اقتصاد و روش‌های تولید است.

است که اقلیم برای زیست انسانی ایجاد کرده است. عواملی مانند استفاده از سیستم‌های سرمایشی و تهویه مطبوع طبیعی، استفاده درست از باد، مصالح بومی، استفاده از آب و گیاهان، جهت‌گیری آیینیه، استفاده از ظرفیت حرارتی خاک، عناصر الحاقی ضخامت جرزها و هماهنگی تمهیدات اقلیمی با فرهنگ، سنت و اعتقادات (زندیه و پروردی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹-۱۷) که با یک نگاه ساده می‌توان گفت که جایگاه اقتصاد و فرهنگ انسانی در این لیست بلند و بالا چقدر کوچک و در آخرین درجه‌بندی‌هاست. البته این موضوع بدان معنی نیست که از نگاه فرهنگی- اجتماعی به طرح خانه نگاه نشده است. در مقابل نگاه‌های اقلیمی و فضاگرا، «محققین فرهنگ گرا یک نظریه بسیار مهم ارائه می‌دهند. آنها معتقدند که ظرف مکانی (در اینجا خانه) معلولی است از فرهنگ آن جامعه. بنا بر نگرش فرهنگی اجتماعی، بنا محصولی است که در رابطه با طبیعت، اجتماع، ایدئولوژی، جهان بینی، روش زندگی، نیازهای اجتماعی و روانی، نیازهای مادی، نیازهای فردی و گروهی، منابع اقتصادی و فنون قابل دسترس شکل می‌گیرد» (Rapaport, 1969)؛ به نقل از معماریان، ۱۳۸۴: ۳۷۵)

راهب (۱۳۸۷: ۱۰-۹)، معیارهای مؤثر راپاپورت در برپایی و شکل‌گیری بنا را شامل مواردی از قبیل عوامل فرهنگی اجتماعی، اعتقادات مذهبی، عوامل اقلیمی، بستر شکل‌گیری، عوامل امنیتی و دفاعی و اقتصاد می‌داند و بر قطعی نبودن هیچ کدام از این موارد برای تعیین شکل نهایی خانه تأکید دارد.

تبدیل ساز و کار اجتماعی و اقتصادی به نظام ذائقه فرهنگی جامعه، نگاهی دیگر است که تحت عنوان سبک زندگی از آن نام برده می‌شود.



نمودار ۲- معیشت، اقتصاد، فرهنگ و باورها، به عنوان مباحث واسطه میان انسان و طبیعت در خلق معماری مسکونی

زندیه و قاجار تحت حکومت میرحسن خان شیبانی و اولاد وی در آمده و بارویی پیرامون شهر کشیده شد. بشرویه الگوهای کاملی از تکامل معماری خانه در اختیار قرار می‌دهد و دلیل اصلی این موضوع پیوستگی و آهستگی تحولات معماری و شهرسازی در این شهر است. در واقع تغییرات وسیعی که در انتهای دوران قاجار و پهلوی در شهرهای واقع در مسیرهای تجاری رخ داده است، در این شهر کمتر مشاهده می‌شود و مردم تا اوایل دوران انقلاب، هنوز خانه‌های خود را با استفاده از تاق‌های خشتی می‌ساخته و از همان الگوهای کهن برای آرایش و سازماندهی فضاهای داخلی خانه‌های خود بهره می‌جستند.

۳-۲- خانه‌های تاریخی بشرویه و طبقه‌بندی پیشنهادی

متغیرهای ارابه شده در این پژوهش بر مبنای نگاه‌های اقتصادی و فرهنگی، پیشنهادات خوبی برای در نظر گرفتن ویژگی‌های مؤثر در طبقه بندی خانه‌های بشرویه خواهد داشت.

آنچه که به دنبال آن می‌گردیم، نوع خانواده، منابع درآمد و ارتباطات اجتماعی آن می‌باشد. مهم‌ترین فاکتور تأثیرگذار در نوع خانواده، جمعیت آن است. اگر یک الگوی تکاملی ساده را از سکونت چند نسل در یک بافت مسکونی تاریخ‌مند در نظر بگیریم، خانواده‌های چند هسته‌ای به مراتب پرجمعیت‌تر و با سابقه‌تر از خانواده‌های کوچک تازه وارد هستند. بنا بر این خانه‌های آنان فضاهای بیشتری از خانه‌ای متعلق به یک خانواده-های کوچک تازه وارد خواهد داشت، از این رو

۳-۳- مرور داده‌های اولیه و یافته‌های

پژوهش

۳-۱- معرفی بشرویه

وجه تسمیه: کلمه «بُشرویه» مرکب از دو بخش «بُش» و «رویه» است و دلالت دارد بر منطقه‌ای که محل رویش «بُش» است و بُش در نظر اهالی و معمرین شهر، بوته‌ای خودرو از تیره گیاهان کم آب کویری و بیابانی بوده که برای ادامه حیات خود احتیاج به آب فراوانی نداشته و در اصطلاح مردم «تِرِخ» یا «درمنه» نامیده می‌شده است که در اصل «درمنه» است. البته نظرها در این مورد متفاوت است بوته بش همان درخت بادامشک است که در ارتفاعات بشرویه فراوان می‌روید و در فهرج کرمان اصطلاح بش به این درختچه اطلاق می‌شود.

موقعیت بشرویه: بشرویه، شهری در فاصله فردوس و طبس و در مسیر کهن فلات مرکزی به سرزمین‌های شرقی ایران واقع شده است. آب و هوای بشرویه گرم و خشک است و با واقع شدن در سمت شمال شرقی رشته کوه‌های شتری، آب و هوایی نسبتاً خنک تر از طبس دارد. لیکن اقلیم واحه‌های بیابانی بر هر سه شهر فردوس، طبس و بشرویه مسلط است.

اهمیت بشرویه: بشرویه در اواخر دوران ایلخانی و با به هم پیوستن مردم آبادی‌های دور و نزدیک و انتقال منابع آب از روستای رقه به سمت دشت گله حوض در فاصله ۳۰ کیلومتری کوه‌های شتری شکل گرفت. در دوران تیموری گسترش پیدا کرد و در دوران صفوی عالمانی چون ملاعبدالله تونی بشروی را به پایتخت کشور برای تحصیل و درس فرستاد. در دوران

۱) خانه‌های چهارصفه و دوصفیه: کوچک و متوسط (بر اساس مساحت)

۲) خانه‌های اعیان‌نشین: متوسط و بزرگ (بر اساس مساحت)

هر کدام از گونه‌ها، پیمون‌های ریز و درشت دارد. حتی مواردی مشاهده شده که مساحت دو خانه، یکی متعلق به گونه اول با ابعاد نسبتاً بزرگ و دیگری متعلق به گونه دوم و با ابعاد کوچک، تقریباً مساحتی نزدیک به هم داشته‌اند. مثلاً خانه ملاعبدالله، به عنوان یکی از خانه‌های متعلق به سبک چهارصفه، مساحتی بیش از خانه ذبیحی با سبک دو ایوانی دارای بروار دارد و اینکه مانند خانه ملاعبدالله چند مورد دیگری هم وجود دارد، نشان می‌دهد که احتمالاً سطح بندی اجتماعی (یا همان فقیر و غنی) چیزی مجزا از تفاوت میان سبک‌های معماری میان خانه هاست و این یعنی مسایل دیگری به جز جمعیت خانواده در معماری این خانه‌ها تأثیرگذار بوده که با نوع روابط خانوادگی و اجتماعی افراد ساکن در خانه مرتبط می‌شده است.

تعداد فضاها، به عنوان یکی از فاکتورهای مؤثر در طبقه‌بندی می‌تواند در نظر گرفته شود.

معیار دیگر، شغل خانواده است که با توجه به تمرکز این مقاله بر فعالیت اقتصادی و تولید در محیط خانه، آثار بر جای مانده از گود برک، می‌تواند نشانه‌ای از گروه‌بندی شغلی محسوب شود.

حیاط مرکزی در بحث ارتباطات و تعامل خانوادگی بسیار حایز اهمیت است. طبیعتاً خانه‌های دارای فضاها زیاد، حیاط‌های بزرگتری دارند و با توجه به چند هسته بودن خانواده در این خانه‌ها، امکان تعاملات اجتماعی وسیع‌تر در این حیاط‌ها امکان‌پذیر می‌گردد، از این رو ابعاد حیاط نیز یکی از فاکتورهای تأثیرگذار بر طبقه‌بندی خانه‌های بشرویه در این پژوهش بوده است.

در نهایت، بر اساس سه ویژگی اصلی: ۱) تعداد و تنوع فضاها، ۲) آثار گود برک و ۳) ابعاد حیاط مرکزی، دو گونه اصلی برای خانه‌های تاریخی بشرویه در نظر گرفته شد:

جدول ۱- خانه‌های مورد مطالعه در این پژوهش (مأخذ: نگارندگان، بر اساس اطلاعات پایگاه پژوهشی شهر تاریخی بشرویه)

شماره	عنوان خانه	موقعیت	وسعت حیاط	عرض حیاط مرکزی	تعداد فضاهای بسته	آثار برک بافی در ایوان	مساحت کل (متر مربع)
۱	خانه جهانی (نبی زاده)	محل قلع نو	کوچک	عرض ایوان	۴	ندارد	۸۵
۲	خانه کوچه آشتی کنان ۱	محله مقری	کوچک	عرض ایوان	۴	دارد	۱۲۰
۳	خانه کوچه آشتی کنان ۲	محله مقری	کوچک	عرض ایوان	۵	دارد	۱۰۱
۴	خانه تقی زاده	کوچه رباطی	کوچک	عرض ایوان	۵	دارد	۱۲۵
۵	خانه خیری	محله مقری	کوچک	عرض ایوان	۵	نامعلوم	۱۷۵
۶	خانه محمدیان	پایین محله	کوچک	عرض ایوان	۵	دارد	۱۹۰
۷	خانه ذبیحی	محله میانده	متوسط	ایوان و بروار	۵	ندارد	۲۱۳
۸	خانه عطار	کوچه رباطی	کوچک	عرض ایوان	۵	دارد	۱۷۰
۹	خانه ملامحمد تقی (بمانه)	محله میانده	متوسط	ایوان و بروار	۶	دارد	۲۳۹
۱۰	خانه پیرزن	محله مقری	کوچک	عرض ایوان	۶	دارد	۱۹۰
۱۱	خانه پناهی ۱	محله میانده	متوسط	عرض ایوان	۷	دارد	۲۵۵
۱۲	خانه زلیخانی	محل پشت قلعه نو	بزرگ	ایوان و بروار	۷	ندارد	۴۸۲
۱۳	خانه ملاعبدالله	کوچه حاج علی اشرف	کوچک	عرض ایوان	۸	دارد	۳۳۰
۱۴	خانه پناهی ۲	محله میانده	بزرگ	ایوان و بروار	۸	ندارد	۴۳۰
۱۵	خانه اسدی ۲	محله میانده	بزرگ	ایوان و بروار	۸	ندارد	۵۰۲
۱۷	خانه شیرزاد	محل قلع نو	بزرگ	ایوان و بروار	۸	ندارد	۵۵۶
۱۸	خانه فیاض بخش	محله میانده	بزرگ	ایوان و بروار	۱۱	ندارد	۳۷۴
۱۹	خانه اسدی ۱	محله میانده	بزرگ	ایوان و بروار	۱۵	ندارد	۶۳۰
۲۰	خانه مستوفی	محله میانده	خیلی بزرگ	ایوان و بروار	۱۹	ندارد	۱۳۰۰

آمده تا تارهای اصلی پارچه را جمع می‌کنند. نزدیک بودن دو ایوان نسبت به هم، این وضعیت را امکان پذیر می‌کرده است.

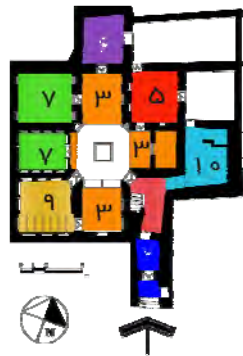
در خانه‌های اعیان‌نشین، وسیع‌تر گرفتن حیاط، موجب ایجاد دو بروار در طرفین ایوان اصلی شده است. در طرفین شرقی و غربی حیاط این خانه‌ها، اتاق‌هایی با کاربری‌های مختلف قابل تعبیه بوده است و کم شدن یا زیاد شدن این فضاها موجب کشیدن شدن یا کوچک ماندن حیاط مرکزی در این گونه می‌شده است. خانه‌های با حیاط‌های بزرگتر، معمولاً فاقد گود برک در محدوده ایوان‌ها بودند. البته استثنائاتی هم مانند خانه ملا محمدتقی بمانه وجود داشت. در این خانه گود برک در یکی از ایوانچه‌های کوچک جبهه غربی اجرا شده است. در حالی که تیر چوبی جمع‌کننده تارهای پارچه در دهانه مقابل آن در طرف دیگر حیاط قرار گرفته است و نشان می‌دهد که در برخی از خانه‌های این سبک هم حضور کارگاه تولید پارچه اهمیت داشته است، لیکن در عمده خانه‌های بزرگ، گود برک حضور چندانی ندارد. در ذیل پلان‌های متنوعی از این خانه‌ها در کنار همدیگر مرور می‌شوند.

بدیهی است که خصوصیات فراوان دیگری هست که می‌تواند برای تدقیق تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های مؤثر بر این طبقه‌بندی‌ها مورد استفاده قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین آنها، نوع قوس‌های مورد استفاده است که به خوبی نشان از تحولات فن‌آورانه و سنت‌های ساختمانی دارد و دوره بندی خوبی را ارایه می‌کند، اما نکته جالب اینجاست که تکامل همین ویژگی اخیر (قوس‌ها)، با تداوم و ثبات همه‌الگوهای پیش‌گفته تا دوره حاضر ادامه پیدا می‌کند. بدین معنی که خانه‌هایی در گروه‌های متفاوت یافت می‌شود که با قوس‌های جدید پوشانیده شده‌اند و این نشان می‌دهد که این شهر، همزمان خانواده‌ها و سبک‌های زندگی متنوعی را تا دوره معاصر پرورش داده است.^۱ حال با توجه به این گونه‌های ریز و درشت، مجموعه مورد مطالعه خود را کنترل و تدقیق می‌کنیم.

اکنون با در نظر گرفتن اولین عامل، یعنی تعدد فضاها بسته، می‌توان گروه‌بندی ساده‌ای میان خانواده‌های کوچک و بزرگ قائل شد. ابعاد حیاط مرکزی در خانه‌های بشرویه متفاوت است. این تفاوت فقط با اندازه‌های مطلق روشن نمی‌شود، بلکه دهانه‌هایی که به حیاط باز می‌شود نیز شرط است. حیاط‌های مرکزی در خانه‌های چهارصفه عرضی معادل یک دهانه ۲.۵ تا ۳.۵ متری دارند. در تمام اطراف حیاط، ابعاد حیاط مرکزی، مساوی با عرض دهانه ایوان‌های منتهی بدان است. در خانه‌های دو صفه، این ابعاد مقداری متفاوت می‌شود. عرض حیاط در دو سمت شمالی و جنوبی، مساوی دهانه ایوان‌ها و در دو سمت شرقی و غربی، مقداری بیش از آن است که ممکن است شامل یک و نیم یا دو برابر آن باشد. لیکن منظره مشخص در ایوان شمالی وجود گود برک و در ایوان جنوبی، تیری چوبی است که از دیوار بیرون

جانمایی کاربری‌ها در فضاهای مختلف خانه‌های مورد پژوهش در بشرویه (مأخذ: جعفری، ۱۳۸۸)

- ۱ ورودی
- ۲ راهرو
- ۳ ایوان
- ۴ حوشخانه
- ۵ مطبخ
- ۶ گنبد
- ۷ انواع اتاق یا هال
- ۸ هشتی
- ۹ یادگیر یا اتاق یادگیر
- ۱۰ سرویس بهداشتی



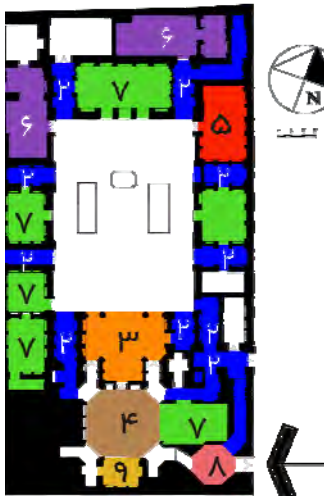
نقشه ۳- خانه ملا عبدالله



نقشه ۲- خانه تقی‌زاده

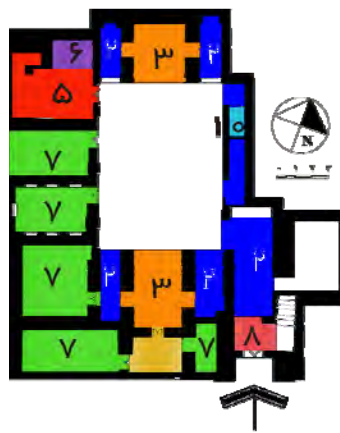


نقشه ۱- خانه پیرزن



نقشه ۶- خانه مستوفی؛

یکی از خانه‌های بزرگ پیمون قاجاری



نقشه ۵- خانه شیرزاد؛

یکی از خانه‌های بزرگ پیمون صفوی



نقشه ۴- خانه پناهی؛

یکی از خانه‌های بزرگ پیمون سبک صفوی



تصویر ۳- آثار کارگاه برک در ایوان خانه‌های کوچک



تصویر ۲- نمایی از ایوان زمستانی در خانه ملاعبدالله



تصویر ۱- بافت چهارصفه‌ها از پشت بام



تصویر ۶- خانه مستوفی، دید از ایوان جنوبی به حیاط (عکس از: نوفرستی)



تصویر ۵- خانه شیرزاد؛ یکی از خانه‌های بزرگ پیمون صفوی. بروار و گوشوار در کنار ایوان‌ها نمایان می‌شوند.



تصویر ۴- پیشان برجسته دو ایوانی‌های اشرافی در پشت بام

فصل زمستان فراهم می‌کرده است و علاوه بر آن، در فصل تابستان هم آفتاب از این ناحیه رخت بر می‌بسته و محیط دلپذیر و خنکی را به ویژه در ابتدای صبح در اختیار اهل کار قرار می‌داده است. به نظر می‌رسد فعالیت مداوم برک‌بافی در فصولی که کار کشاورزی نبوده است، در این فضاها صورت می‌پذیرفته است. و با توجه به سرانه ساکن در شهر تاریخی در دوران حیات خود، تولیداتی که از این خانه‌ها بیرون می‌آمده حجم و وزن قابل توجهی را به خود اختصاص می‌داده است.

نکته مهم این است که با وجود آن همه توصیفات تاریخی از کیفیت و شهر برک بشرویه (اعتصام الملک، ۱۳۵۱: ۲۵۱ و ریاضی، ۱۳۱۶: ۱۱۶-۱۱۵) کاروانسراهای زیادی در این شهر برای این مبادلات وجود نداشته است. تنها نمونه‌های قابل ذکر، کاروانسرای مرکزی شهر - احتمالاً به نام بانی آب انبار آن، عبدالصمد - بوده که بعدها تبدیل به میدان مستطیل شکل مرکزی شهر گردیده و کاروانسرای کاتب در شمال شهر است که هر دو مورد تخریب شده و هم اکنون اثری از آنها باقی نمانده است. حال سؤال این است که پس این حجم پارچه‌های برک در کجا مبادله می‌شده است؟

۴- بحث و نتیجه‌گیری

۴-۱- تجزیه و تحلیل داده‌ها

الگوهای مشخص معماری مسکونی در بشرویه و تفاوت‌های روشنی که با هم دارند، نشان‌دهنده این است که احتمالاً ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی در پیدایش آنها دخیل بوده است. تفاوت‌های موجود در این خانه‌ها، علاوه بر اینکه نشان‌دهنده طبقات اجتماعی است، نشانه فعالیت‌های اقتصادی موجود در دوران هر کدام از این خانه‌ها هم می‌تواند باشد.

با توجه به سابقه‌ای که از برک بشرویه در سفرنامه‌ها در اختیار داریم (بریون، ۱۳۶۶)، بایستی فضاهایی وجود داشته باشد که این پارچه در آنها بافته می‌شده است. پیش‌تر از گود برک‌بافی در معرفی خانه‌ها یاد شد. وجود یک گود برک‌بافی در ایوان زمستانی هر کدام از خانه‌های عموماً چهارصفه و دوصفه، این نوع تولید در فصول تعطیلی کشت و کار را نشان می‌دهد پارچه‌ای که در خانه‌های کوچک بشرویه تولید می‌شده است، هم در شهر و هم در محیط خارج از شهر خرید و فروش می‌شده است.

ایوان شمالی با توجه به موقعیت و جهت‌گیری آن، آفتاب و حرارت لازم را برای کار در سرمای

راه برآید. بنا براین، حتماً پتانسیل‌های محیط طبیعی بیابان برای آنها مزیت‌های زیادی داشته است. پستوانه عظیم این پارچه‌های برک، وجود مراتع شترداری در منطقه بوده است که وجه تسمیه کهن این منطقه نیز بوده است. محدوده‌ای گود به نام گله حوض (ریاضی، ۱۳۱۶: ۱۱۷-۱۱۵) در یک دلتای پیش از تاریخ بر لبه ساحلی کویر که محل بالآ آمدن آب‌های زیرزمینی و ایجاد پوشش گیاهی مطلوب برای دامداری بوده است. این منطقه بعداً بشرویه (خاستگاه زراعت دیم یا محل رویش گیاه بُش) نامیده می‌شود.

تا پیش از پیدایش شهر در انتهای دوره ایلخانی، همه اوصاف زندگی روستا در این خطه مشاهده می‌شود. زندگی شکل گرفته بر پایه کار و تولید، ارزش‌های کاربردی کالاها، تداوم و استمرار سنت‌ها، ساختارهای خویشاوندی در جمعیت محلات، کلیت یکپارچه فرهنگی و نهایتاً سازگاری با طبیعت (فاضلی، ۱۳۸۷: ۶۱) همگی نشان از قشر مولد روستایی است که در جوار یک شبکه ارتباطی، منطقه‌ای شهری را تأسیس کرده، جمعیت‌ها را از نواحی و مناطق مختلف به این منطقه کشانیده تا کلنی‌ها و محلات مختلفی را تشکیل دهند. از این به بعد، بافت متنوع جمعیتی و فرهنگی که یکی از نشانه‌های شهرنشینی است، همراه با تقسیم اجتماعی کار، نوآوری‌های فرهنگی و تکنولوژیک، ارزش‌های نمادین و معنا یافتن اوقات فراغت (همان) در حیات خانه‌های بزرگتر، نشان‌دهنده مقیاس‌های واقعی یک شهر است. در واقع بشرویه، از پتانسیل دامداری خود علاوه بر تأمین مایحتاج ضروری خود، مستقیماً ابزاری صنعتی برای گرایش به شهرنشینی استخراج کرده و بدین وسیله به صورت جهشی در تاریخ معماری و شهرسازی این منطقه ظهور می‌یابد.

اگر بخواهیم اظهارات مک‌گریگور (۱۳۶۶: ۱۲۳) را قبول کنیم، بشرویه نه بازار دارد و نه بازرگان به آن معنی در این شهر فعالیت دارد. در خانه‌های کوچک چهارصفه، ما با یک بافت مولد روستایی مواجه هستیم که از طریق محصولات دامداری و کشاورزی زمین‌های پیرامونش مازاد بر مصرف خود تولید می‌کند و آن را به فروش می‌گذارد. اما گونه‌های متنوع خانه که نشان‌دهنده وجود اقشار مختلف اقتصادی و جایگاه‌های سطح‌بندی شده اجتماعی در این شهر تاریخی بوده است، نشان می‌دهد که ممکن است در خانه‌های بزرگتر محلی برای خرید و فروش حجم‌ها و اوزان بزرگتری از این محصولات وجود داشته باشد. بدین ترتیب پیشه‌وران با خانواده‌های کوچک، محصولات خود را به تاجران خرده‌پا، می‌فروخته و ایشان نیز احتمالاً تبادلات خود را در خانه‌ها و نهایتاً کاروانسراهای بزرگ انجام می‌داده‌اند. مفصل‌ترین این نوع خانه‌ها، همان باغ خان بوده است که فضاهای اداری مخصوصی برای رسیدگی به کارهای تجارت در اختیار خان شیبانی قرار می‌داده است.

وجود مشاغل و طایفه‌های مختلف در بشرویه به خوبی نشان می‌دهد که بافت اجتماعی متنوعی در بشرویه حضور داشته‌اند و دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک روستا نامید.

بنا بر این می‌توان گفت، اگر دلیل اصلی انتقال جمعیت از محیط روستاهای پیرامون - که مانند رقه، عمدتاً در حاشیه چین خوردگی کوه‌های شتری و دارای آب و پتانسیل‌های بالای کشاورزی بوده - به سمت بیابان را وصل شدن به راه‌های تجاری بدانیم، استفاده از این راه‌ها، می‌بایست نتایج ملموس و عینی برای ساکنین می‌داشته است. اگر شهر تولید خاصی نداشته باشد، نمی‌تواند از عهده مزیت‌های تجاری

از این رو در ابتدا خانه‌های کوچک با حیاط‌های خیلی کوچک پدید می‌آیند که متعلق به خانواده‌های تک‌هسته‌ای با روابط محدود کاری و خانوادگی هستند. این خانه‌ها بندها و زمین‌های کوچکی که امکان کشت دیم در آن‌ها وجود دارد، تصرف کرده و چند دام هم دارند که برای برآوردن نیازهای خوراکی خود از آنها استفاده می‌کنند و شب‌ها به دلیل کوچک بودن حیاط خانه، این دام‌ها را از پله‌هایی در بیرون به پشت بام حمل می‌کنند. زمین‌ها و بندهای کوچک و دام‌های مختصر این خانواده‌ها طوری نیست که بتواند کفاف مایحتاج و روزی آنها را در فصول سرد سال برآورده کند، بنابراین این خانواده‌ها به تدریج با قوت گرفتن کسب و کار شترداران بزرگ منطقه، به خریداری پشم شترها - که ابتدائاً کالایی ضایعاتی به حساب می‌آمده - اقدام می‌کنند تا با پارچه‌بافی در فضولی که کار کشاورزی وجود ندارد، بتوانند از عهده مخارج خود برآیند. با گذشت زمان و قوت گرفتن شیوه تقسیم فصلی کار، الگویی زیستی و معیشتی برای ادامه حیات اجتماعی ایجاد می‌شود. در نتیجه مردم خانه‌های بعدی خود را طوری می‌سازند که بتوانند محیطی برای ساخت پارچه‌های برک در آن فراهم کنند. الگوی چهارصاف که سازگاری اقلیمی هم با محیط و آب و هوای خشک بشرویه دارد، جهت این طرح‌اندازی استفاده می‌گردد.

نکته‌ای با اهمیت در خانه‌های چهارصافه گردش آفتاب است. گود برک معمولاً در ایوان شمالی اجرا قرار داشته است. کار معمولاً در فصول فاقد میوه (زمستان و بخشی از تابستان) انجام می‌شده است. در فصل زمستان، این ایوان دارای نور مستقیم آفتاب بوده است و بودن در خانه باعث از دست دادن نور آفتاب نمی‌شده است. بعدها نیز

که این سبک زندگی و کسب و کار قوت گرفته است، در بخشی از فصل تابستان که کارهای کشاورزی کمتری نیاز بوده است، ایوان شمالی دارای سایه دل‌انگیزی به ویژه در صبح و عصر بوده است و به دلیل ابعاد مساوی اضلاع حیاط، گردش آفتاب در همه ایوان‌ها به مساوات انجام می‌شده و عمده فعالیت‌های خانه مثل خمیر کردن نان و کارهایی از این دست نیز در معرض نور مستقیم آفتاب بوده است.

حیاط‌های کوچک این خانه‌های چهارصافه در این زمان، با وجود ابعاد کوچک خود، همه وظایف یک حیاط سنتی را از جمله: نشانه حریم و مالکیت، عنصر وحدت بخش خانه، نقش اقلیمی و تنظیم شرایط محیطی، هسته ارتباطی خانه، مکان بروز عملکردهای گوناگون، تنظیم هندسه و ترکیب حجمی و نقش زیبایی‌شناسانه (علی‌الحسابی و رضایی، ۱۳۸۷: ۴-۲) بر عهده داشته و فقط تنها چیزی در این حیاط‌ها، وجود نداشته، فضای سبز بوده که به دلیل کوچک بودن حیاط و نظام مناسب سایه و روشن، نیازی بدان احساس نمی‌شده است.

قابل پیش‌بینی است که با افزایش مازاد تولید و انباشت ثروت، به تدریج برخی از پیشه‌وران قدیمی اقدام به خریداری محصولات برک از دیگر خانواده‌های تولیدگر نوپا می‌کنند و آنها را به صورت یکجا به فروش می‌گذارند و تجارت برک وارد اولین مراحل خود می‌شود. افزایش ثروت در این خانواده‌ها، حاصل کار و تلاش بیشتر در حوزه‌های زمین‌داری و کشاورزی هم می‌گردد و به دلیل اینکه با زاد و ولد و گذشت زمان، اعضای خانواده نیز افزایش یافته و چند هسته‌ای شده است، اکنون خانه‌های بزرگتری برای خود می‌سازند. به همین دلیل دو بروار و گوشوار در کناره ایوان‌های

کیفی گسترش و رشد بیشتری یافته اند و هم ارتباطات با دنیای تجارت بیرون چنان بوده است که علاوه بر اینکه خانه‌ها گسترش بیشتری یافته اند، بعضاً الگوهای مرتبط با فلات مرکزی مانند کاشان و اصفهان نیز در آنها مشاهده می‌شود.

بدین ترتیب، خانه‌های تاریخی با پیمون‌های متفاوت در این خطه علاوه بر قشربندی اجتماعی، درجه‌ای نیز بر مراحل تکامل جامعه و اقتصاد می‌گشایند. تکاملی که از یک جامعه مولد با خانه‌هایی روستایی آغاز می‌شود و با گسترش تدریجی این خانه‌ها که در درجه اول متأثر از افزایش تدریجی جمعیت و توسعه روابط خانوادگی روستایی است (پاپلی‌یزدی، ۱۳۷۵: ۳۱)، که با تلاش ساکنین شهر بر افزایش تولید و ایجاد ثروت، نهایتاً اثرات خود را روی خدمات رفاهی موجود در گونه مسکن (خسرونیا، ۱۳۸۸: ۴۲) باقی می‌گذارد. خیلی زود با افزایش شهرت و دامنه مبادلات کالاهای تولید شده این شهر، و ایجاد فضای تبادل در کناره مسیر زیارتی و تجاری، مشاغل مختلفی واسطه‌گری این تبادلات را بر عهده گرفته و سبک‌های متنوعی از زندگی شکل می‌گیرد که به عنوان مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها که فرد آنها را به کار می‌گیرد؛ نیازهای او را تأمین می‌کند و روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازد. (گیدنز، ۱۹۹۵: ۸۱، به نقل از: فلامکی و شصتی، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

چنانکه مشاهده می‌شود، سنت سکونت در بشرویه جریانی پویا و دائماً در حال تحول و ناشی از رشد و تکثر تدریجی نظامات اقتصادی و اجتماعی بوده است. آنچه که در دوران جدید، موجب تفاوت جدی میان خانه‌های جدید با خانه‌های تاریخی گردیده، ناشی از دگرگون شدن

شمالی و جنوبی نیز پدید می‌آید و بدین ترتیب می‌توان فهمید که با توجه به هویت معمارانه حیاط در معماری اقلیم کویری، (سلطان زاده، ۱۳۹۰: ۶۹) تفاوت حیاط‌های بزرگ و کوچک در اقلیم گرم و خشک دلیلی غیر از اقلیم دارد.

نظام فعالیت اقتصادی و کرد و کارهای آمیخته با روابط خانوادگی موجود در خانه‌های چهارصفه پیشین، چنان در روحیه ساکنین اثر می‌گذارد که چهارصفه در ذائقه مردم به عنوان یکی از الگوهای مطلوب فضا، باقی می‌ماند و بعدها، الگوی خود را به فضای حوض خانه در خانه‌های بزرگتر می‌بخشد. فضایی که مردم وقتی می‌خواهند توصیف کنند، از آن با نام «چهارصفه» یاد می‌کنند. در واقع الگوی چهارصفه که ناشی از ساز و کارهای اقلیمی و اقتصادی مردم بوده، در خانه‌های وسیع تر و بزرگتر، به یک انتخاب زیبایی شناسی تبدیل و در فضاهایی مانند حوض خانه و شاه‌نشین متجلی شده است.

این خانه‌ها در مراحل پیشرفته تر در ابتدای ورودی خود، دارای اتاقی برای اقامت مهمان هستند. با توجه به ارتباطات تجاری و اقتصادی بیشتر در این خانه‌ها، تصور اینکه این اتاق برای تاجر و طرف حسابی بوده که از راه دور جهت خریداری کالایی تجاری به این خانه وارد شده، هرگز دور از ذهن نیست و چه بسا که ارتباطات این چنین منجر به وصلت‌هایی نیز می‌شده است. قومیت‌ها و رنگ و ریشه‌های مختلفی که هم اکنون در این شهر وجود دارد، گواهی بر این فرضیه می‌باشد. در نهایت این نظام طراحی هم اکنون به صورت الگوی دو ایوانی بزرگ در برخی از نمونه‌های معدود به جای مانده از گذشته مشاهده می‌شود که خانه شیرزاد اصلی ترین آنهاست. در دوره قاجار، هم خانواده‌ها از نظر کمی و

این دست تهیه می کرده‌اند. خانواده‌های بزرگتر، علاوه بر اینکه مالک زمین‌های بزرگتری بوده‌اند، ارتباطات خانوادگی وسیع‌تری هم داشته‌اند و نیاز به فضای بزرگتری برای زندگی چندخانوار داشته‌اند، از این رو مالک یا سازنده خانه‌های بزرگتری شده‌اند.

همچنین می‌توان نتایجی زمان‌مند هم از شیوه سازماندهی فضایی خانه‌های بشرویه داشت. بدین ترتیب که خانواده‌های کوچک‌تر، احتمالاً الگوی اجتماعی و زیستی کهن‌تری را نشان می‌دهند. افزایش تولیدات و قدرت اقتصادی این شهر، به تدریج ارتباطات و نهایتاً خانواده‌های بزرگتری را شکل می‌دهد که نیاز به خانه‌های وسیع‌تری دارند. گویا بازمانده همین خانواده‌ها هستند که در محدوده باغات شهر که تا سال ۱۳۳۵ در بخش‌های غربی و جنوب غربی شهر تاریخی مشاهده می‌گردد، شروع به ساخت باغ منزل و محله‌های مسکونی اعیان‌نشین می‌کنند، بنابراین می‌توان تصور کرد که خانواده‌های کوچک با گسترش دایره ارتباطات و وصلت‌های خود و همچنین با پیشرفت‌های اقتصادی همراه با گذشت زمان، خانوارها و ایل و تبار بزرگتری تشکیل داده و نیاز به مساکن وسیع‌تری می‌یافته‌اند.

نتیجه‌ای که از سرانه جمعیت موجود در خانه‌های تاریخی گرفته می‌شود، افزایش تدریجی اعضای خانواده‌ها در طول زمان و گسترش رابطه‌های خانوادگی است.

لیکن باید دانست که این گسترش و افزایش توان اقتصادی که مرهون تجارت برک است، برای همه اقشار به طور مساوی رخ نداده و خانواده‌های کوچک بسیاری هم تا همین اواخر در بشرویه حضور و زندگی داشته‌اند.

نظام فرهنگی و معیشتی شهر در اثر ایجاد اقتصادی وابسته و خودباختگی‌های ناشی از آن است که در همه شهرهای ایران نمود یافته است و تحولات شدید این دوران، قدرت تطبیق تکامل تدریجی دوران تاریخی را با شرایط جدید، از آن گرفته است.

نهایتاً شکست تلاش‌های دوره قاجار در ایجاد کارخانه جات تولیدی برای رقابت با محصولات غربی که ناشی از نبود راه‌های مواصلاتی مناسب، تغییر وسایل تکنولوژیک تبادلات (رجائی، ۱۳۹۳: ۹۹)، واردات کالا از کشورهای خارجی، دخالت‌های دولت‌های استعماری در امور کشور، فقدان آزادی و امنیت و بی‌ثباتی کشور، کمبود کارگر فنی و تکنیسین و فقدان روحیه صنعتی (زندیه و تقفی، ۱۳۹۵: ۵۵-۳۹) و اساساً تفاوت مقیاس اقتصادی-اجتماعی ایران با جهان پیشرفته بود، منجر به افول جدی تولید برک در خانه‌های کارگردید و به تدریج برک بشرویه را از دور خارج نمود و ماهیت و کارکرد زیربنایی این خانه‌ها را ساقط کرد.

۴-۲- نتیجه‌گیری

تنوع موجود در معماری مسکونی بشرویه را می‌توان هم به صورت تفاوت‌هایی عرضی در بطن اقتصاد و فرهنگ جامعه و هم به صورت تکاملی خطی در طول زمان نگریست. چنانچه که به صورت عرضی نگاه کنیم، بایستی خانه‌های کوچک‌تر را متعلق به خانواده‌های کوچکتر و خانه‌های بزرگتر را متعلق به خانواده‌های بزرگتر بینیم. خانواده‌های کوچکتر فعالیت‌های کشاورزی و دامداری محدودتری داشته‌اند و عمده‌مایحتاج خود را از طریق پیشه‌واری در شهر مانند برک‌بافی، خیاطی، تدریس و تحقیق، صحافی و مشاغل از

سپاس‌گزاری

- مرکز اسناد پایگاه پژوهشی شهر تاریخی
بشرویه
- مرکز ذیل به جهت در اختیار قرار دادن داده‌های
معماری ابراز می‌دارند.
- مرکز اسناد و پژوهش‌های معماری و
شهرسازی دانشگاه حکیم سبزواری

پی‌نوشت

۱- البته گونه‌های دوران گذار را هم باید به این محدوده‌ها اضافه کرد که خارج از مطالعه این پژوهش می‌باشد.

منابع و مآخذ

- اعتصام الملک. (۱۳۵۱). سفرنامه خانلرخان. به کوشش محمودی، منوچهر. تهران.
- براتی، ناصر. (۱۳۸۲). بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی. مجله خیال. شماره ۸: ۲۴-۵۵.
- بریون، مارسل. (۱۳۶۶). برگردان منصوری. ذبیح‌الله. منم تیمور جهانگشا. انتشارات آستان قدس رضوی.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و وثوقی، فاطمه. (۱۳۷۵). مسکن روستایی؛ فرهنگ و توسعه «نمونه؛ استان خراسان». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۴۱. تابستان: ۲۶-۴۶.
- جعفری، آرمین. (۱۳۸۸). بررسی الگوهای معماری مسکونی در شهر تاریخی بشرویه. پایان‌نامه کارشناسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند.
- خسرونی، مرتضی. (۱۳۸۸). ارزیابی رویکردهای مختلف پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی. مسکن و محیط روستا. شماره ۱۲۷. پاییز: ۳۲-۴۳.
- دهخدا، علی‌اکبر و دیگران. (۱۳۹۵). سرواژه «خانه». لغتنامه.
- ذبیحی، حسین و شاکر اردکانی، رضا. (۱۳۹۱). گمانه‌ای در تحول تاریخی شهر با بررسی سیماشناسی حیاط بناها با به کارگیری سامانه اطلاعات جغرافیایی (نمونه موردی: شهر تاریخی بشرویه). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی. شماره ۹. پاییز: ۹۷-۱۱.
- راهب، غزال. (۱۳۹۴). واکاوی مفهوم «گونه» در مسکن بومی و تبیین رویکردی برای دسته‌بندی گونه‌های مسکن روستایی در ایران. مسکن و محیط روستا. شماره ۱۵۰. تابستان: ۳-۱۸.
- رجائی، عبدالمهدی. (۱۳۹۳). موانع اجتماعی-فرهنگی تشکیل شرکت و تأسیس کارخانه در ایران عصر قاجار. فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی. شماره ۸. زمستان: ۹۹-۱۲۴.
- ریاضی، غلامرضا. (۱۳۱۶). گزارش بشرویه. سالنامه شرق ایران. سال اول. قسمت اول.
- زندیه، حسن و ثقفی، مریم. (۱۳۹۵). نهضت کارخانه‌سازی و پیامدهای آن در عصر قاجار. پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی. شماره ۱. بهار و تابستان: ۳۹-۵۵.
- زندیه، مهدی و پروردی نژاد، سمیرا. (۱۳۸۹). توسعه پایدار و مفاهیم آن در معماری مسکونی ایران. مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۰. تابستان: ۲۱-۲.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۰). نقش جغرافیا در شکل‌گیری انواع حیاط در خانه‌های سنتی ایران. نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۵. بهار: ۶۹-۸۶.
- شصتی، شیمیا و فلامکی، محمد منصور. (۱۳۹۳). رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی؛ با تکیه بر نظریه جامعه کوتاه مدت و نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران. نشریه علمی-پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. شماره ۲۳. تابستان: ۱۱۷-۱۳۶.
- علی‌الحسابی، مهران و رضایی محمود. (۱۳۸۷). منظر شهری فضای باز؛ در جستجوی نقش گمشده فضای باز در معماری مسکونی. مسکن و محیط روستا. شماره ۱۲۲. تابستان: ۲-۱۱.

- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۸۷). مدرنیته و مسکن؛ رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن. مجله تحقیقات فرهنگی ایران. شماره ۱. بهار: ۶۴-۲۵.
- کاویان، مجتبی. (۱۳۹۵). مطالعات اجتماعی و فرهنگی. طرح ویژه توسعه شهر تاریخی بشرویه. مشاورین پیشاهنگان آمایش. وزارت راه و شهرسازی.
- کاویان، مجتبی. (۱۳۹۰). مصاحبه منتشر نشده با حسین اسماعیلی اول (بنای سنتی)
- محتشم دولتشاهی، طهماسب. (۱۳۹۰). مبانی علم اقتصاد: اقتصاد خرد. اقتصاد کلان. انتشارات خجسته. تهران. چاپ سی و یکم، ویراست ششم.
- مداحی، سید مهدی و معماریان. غلامحسین. (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل پیکره بندی فضایی خانه‌های بومی با رویکرد نحو فضا (نمونه موردی: شهر بشرویه). مسکن و محیط روستا. شماره ۱۶۵. زمستان: ۶۶-۴۹.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۵). معماری مسکونی ایران گونه‌شناسی درونگرا. انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران. چاپ دوم.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۴). سیری در مبانی نظری معماری. انتشارات سروش دانش. تهران.
- مک گرگور، کلنل سی. ام. (۱۳۶۶). برگردان مهدی‌زاده. مجید. شرح سفری به ایالت خراسان. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد.
- نادری، احمد. (۱۳۹۲). معماری خانه؛ ویژگی‌های کیفی. کتاب ماه هنر. شماره ۱۸۴. دی ماه: ۸۲ - ۸۵.